

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد اکبر سنا

۰۲ می ۲۰۲۱



استاد اکبر سنا

احمد یار یکی از شیفتگان ابولمعانی بیدل خواهش کرده است که مخمس توفان ناز را پخش کنم. اینک به تقاضایش لبیک گفته شد.

توفان ناز

چشم او شور جنون بخشد به مستی های ناز هر خم زلف گره گیرش بود ماوای ناز
تا جهانی را کند دیوانه از سودای ناز نرگشش وا می کند تومار استغای ناز
یعنی از مژگان او قد می کشد بالای ناز

چشم او با یک نگه کار دلم را کردنیست با خرامی قامتش صد شور بر پا کردنیست
ناز را طرز ادای او دو بالا کردنیست از غبارم می کشد دامن تماشا کردنیست
عاجزی های نیاز و بی نیازی های ناز

گر به لب دارد تبسم های رنگین ناز محض و بر بیندازد بر ابرو از غضب چین ناز محض
جلوه اش سر چشمه ناز است و تمکین ناز محض چشم مستش عین ناز ابروی مشکین ناز محض
این چه توفانیست یارب ناز بر بالای ناز

ای بهار عارضت را مهر و مه آئینه دار عالمی چون لاله از شوق وصال داغدار
ابر گیسو را بزن از مهر رخسارت کنار عالمی آئینه دارد در کمین انتظار
تا کجا بی پرده گردد حسن بی پروای ناز

نوبهار عارض او یاسمن می پرورد چین زلفش نافه مشک ختن می پرورد
تا صفای سینه او ذوق من می پرورد جیب و دامان خیال من چمن می پرورد
بسکه چیدم از بهار جلوه اش گل های ناز

دستگاه همت از سعی کمالم داده اند برتر از مردم مقامی چون هلام داده اند
تا نپداری که کم جاه و جلالم داده اند بیسده واری بار در بزم وصالم داده اند
هان بناز ای سر که خواهی خاک شد در پای ناز

هرکرا بینی سنا سرگرم سودای دل است در نهاد ذره تا خورشید غوغای دل است
عالمی چون گرفتار تمنای دل است بیدل امشب یاد شمع محفل آرای دل است
دود آهم شعله ای دارد به گرمی های ناز

مجله ژوندون